

خبرنامه



۵

مرکز نشر دانشگاه

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

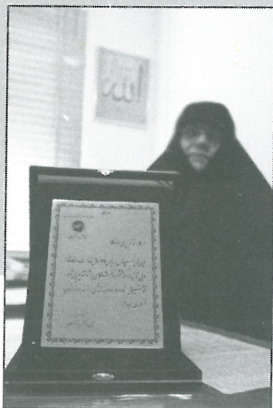
سال یکم، خردادماه ۱۳۸۴



پژوهشکده یا
مرکز پشتیبان پژوهش؟

گفت و گو با
دکتر عبدالمجید یعقوب پور

فروش کتاب از پشت دیوار ترجمه و ویرایش؛ پنج توصیه برای بی پولها aman از as بدرقه فداکار



بدرقه خانم فداکار

گلچین دانشگاه‌هاست. امیدوارم همیشه همین‌طور بماند و همهٔ خوبان اینجا جمع باشند.
بر لوح یادبودی که برای خانم فداکار آماده شده بود، این نوشته به چشم نی‌خورد:

سرکار خانم پری فداکار

این لوح سپاس به پاس ۲۴ سال خدمت صادقانه و بی‌شائبه در مرکز نشر دانشگاهی به شما تقدیم می‌شود. توفیق شما را در ادامهٔ زندگی از خداوند منان مسئلت دارم.

فرید مَر

رئیس مرکز نشر دانشگاهی

اما پایان مراسم، پایان حرف و حدیث‌ها نبود. مدیر امور اداری مرکز گفت: چنین مراسمی در مرکز نادر بوده است. و بعد، به‌شوخی ادامه داد: امیدوارم نوبت ما هم بشود. و به هر حال، نوبت ما هم می‌شود! دکتر معصومی نیز چند جمله‌ای در تعریف از خانم فداکار به زبان آورد: به خاطر مجاورت با دفتر، زحمت خیلی از کارهای من به دوش ایشان بود. شما (خانم فداکار) گفتید گل‌ها، ولی یک سری خار هم توی آنها هستند و اساساً اهل علم را به‌آسانی نمی‌شود تحمل کرد، آن‌هم در طول یک زمان طولانی؛ از زمانی که اینجا هیچ چی نبود تا الان. برای من سخت است که شما از اینجا بروید.

آخرین جملهٔ فداکار خطاب به جمع این بود: اوایل فکر می‌کردم چقدر آدم خوب یکجا جمع شده‌اند. یکبار دیگر حالا که از اینجا می‌روم، باز می‌بینم که اینجا بهشت بوده است.

خانم پری فداکار، با این بدرقه، پس از ۳۵ سال کار و تلاش که ۲۴ سال آن در مرکز نشر دانشگاهی بوده است، حوالی ظهر پنجشنبه، یکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۴ از جمع ما جدا شد تا زندگی جدیدی را در دوران بازنشستگی خود تجربه کند. او دومین نفری بود که وارد تشکیلات اولیهٔ مرکز نشر دانشگاهی شد و اکنون شصت و یک سال سن، سه فرزند و دو نوه دارد.

خانم پری فداکار، پس از ۲۴ سال کار در مرکز نشر دانشگاهی بازنشسته شد. در مراسمی که برای بزرگداشت او در دفتر رئیس مرکز برگزار شد، رؤسای گروه‌ها، مدیران و جمعی از کارکنان مرکز نشر دانشگاهی حضور یافتند و از خاطرات خود از همکاری بلندمدت با خانم فداکار یاد کردند.

مهندس کافی به برخوردهای محترمانهٔ خانم فداکار با مراجعان دفتر رئیس مرکز اشاره کرد.

آقای نوری دوران همکاری در دانشگاه آزاد سابق را به یاد آورد و گفت در دانشگاه آزاد سابق هم از ایشان تعریف می‌شد. مرکز نشر دانشگاهی در ابتدای تأسیس، زبده‌ها را جذب می‌کرد و از اولین آنها خانم فداکار بود. او گره‌گشای مشکلات بود و امیدواریم باز هم مرکز از ایشان استفاده ببرد.

خانم اقتداری به نمایندگی از طرف خانم‌های جلسه به بی‌طرفی خانم فداکار در برخورد با مراجعان، به عنوان یک ویژگی مدیریتی تحسین‌برانگیز، اشاره کرد.

سپس دکتر مَر رو به خانم فداکار کرد و گفت: می‌بینید که همه با خاطرات خوب شما را بدرقه می‌کنند. امیدوارم بقیه هم به همین صورت با یاد و نام نیک بدرقه شوند.

خانم فداکار جواب داد: من قابل این همه لطف و توجه شما نیستم. تنها دلخوشی من این است که برای رضای خدا و خلق خدا کار کنم. امین باشم و کارا. در این صورت، فکر می‌کنم کمی روسفید شده‌ام. از وقتی که برای من گذاشتید شرمند شدم.

دکتر مَر رو به حضار کرد و در تعریف از فداکار ادامه داد: اول که به مرکز آمدم، می‌گفتند شاید خانم فداکار تغییر کند، اما با دیدن صلابت، استواری و دین‌داری ایشان، مطمئن شدم که بهترین شخص برای ریاست دفتر مرکز نشر هم ایشان هستند.

سپس رئیس مرکز هدیه‌ای به رسم یادبود به خانم فداکار داد. فداکار هنگام گرفتن لوح یادبودش به حضار گفت: می‌گفتند اینجا



■ مذاکره ادامه دارد

برگ تخلیه ساختمان مرکزی پس از سالها کش و قوس، به دست مرکز رسید. گویا طالع مرکز در ماه اردیبهشت قمر در عقرب بود. اکنون مدیریت مرکز نشر در برابر بحران جا، آن هم در شرایطی که باید با مشکلات به جامانده از قبل مبارزه کند، قرار گرفته است. هشت گروه علمی، مدیریت، امور مالی و اداری، و فروشگاه که جمعیتی پنجاه نفره را شامل می شوند، برابر آنچه در برگ تخلیه دادستانی درج شده است، باید تا دهم خردادماه ساختمان مرکزی را بگذارند و در جایی دیگر جاگیر شوند. ساختمان شماره ۲ به سرعت آماده می شود تا در صورت بسته شدن همه درها و پس از جابه جایی بخش توزیع و فروش به ساختمان جمهوری، این تعداد پُر شمار را در خود جای دهد. مذاکرات با بزرگان وزارت علوم همچنان در جریان است. دکتر مَر اردیبهشت را به رایزنی با دکتر توفیقی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری)، دکتر میلی منفرد (معاون فناوری وزیر علوم) و دکتر خدادادی (معاون پشتیبانی وزارت علوم) سپری کرد. نامه ای از سوی وزیر علوم به دفتر آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، ارسال شد که در آن درخواست شده است که اجرای حکم تخلیه ساختمان مرکزی برای مدتی به تعویق بیفتد. اما شاید دل بستن به یک اقدام عملی در زمانی که یک ماه به انتخابات ریاست جمهوری مانده است و تا چند ماهی پس از آن وضع و حال هیئت دولت و ترکیب وزرا مشخص نیست و چند ماهی پس از آن هم تکلیف معاونان اول و میانی و اجرایی وزارت علوم در محاق قرار دارد، کار عاقلانه ای نباشد. باید از امکانات موجود به بهترین شکل استفاده کرد و سرانجام به مهربانانه نشستن در کنار هم، در فضای نه چندان وسیع ساختمان سنایی رضایت داد. گرچه می توان هم به تعویقی یکساله امیدوار بود.

■ وزیر علوم: کمک می کنیم

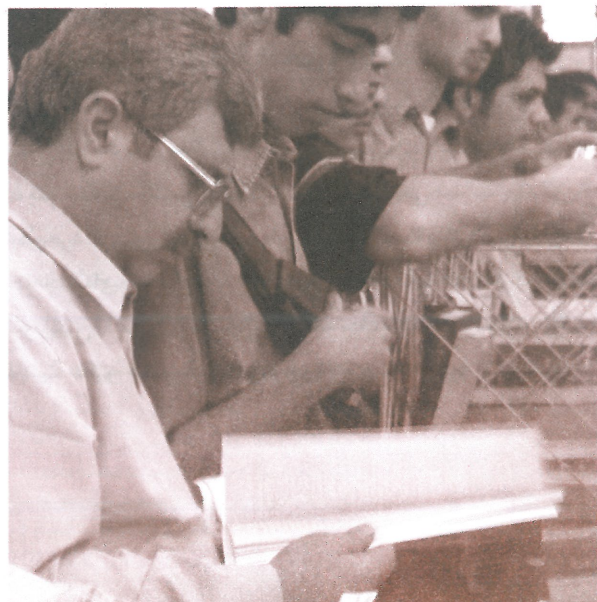
دکتر توفیقی در مورد حل مشکلات مرکز نشر قول مساعدت و همکاری داد. در دیدار دکتر مَر با وزیر و معاونان فناوری و پشتیبانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در مورد مهمترین مشکلات پیش روی مرکز نشر گفت و گو شد. مسئله تأمین ساختمان مناسب برای استقرار دائم کارکنان مرکز، مشکل ردیف بودجه اختصاصی، جذب کمک های مالی احتمالی و... از جمله این مسائل بودند. در این دیدارها وزیر و معاونان او وعده همکاری دادند و همچنین در مورد تخلیه ساختمان مرکزی مقرر شد که نامه ای از طرف وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری به دفتر آیت الله شاهرودی ارسال شود. این مذاکرات تا رسیدن به نتیجه مفید و مؤثر ادامه دارد.

در مرکز

خبرهایی از
مرکز نشر دانشگاهی

■ غرفه مرکز در نمایشگاه کتاب و مطبوعات رونق داشت

غرفه کتاب مرکز نشر دانشگاهی در هجدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب، ۳۰ درصد بیشتر از سال پیش کتاب فروخت. غرفه مجلات نیز به رغم آنکه سه مجله «نشر دانش»، «معارف» و «لقمان» به چاپ نرسیده بودند، نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد بیشتر مجله فروخت و اشتراک جذب کرد. گزارشی از شرکت مرکز در این نمایشگاه را در صفحات بعد می خوانید.



خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی

۳

شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

■ بازنگری نمودار تشکیلاتی مرکز

نمودار پیشنهادی مرکز در مورد تشکیلات جدید آن، نتوانست مصوبه هیئت امنای مرکزی دانشگاهها و مراکز علمی کشور را بگیرد. گرچه این نمودار پیشنهادی در هیئت امنای منطقه ۲ به تصویب رسیده بود، اما در جلسه هیئت امنای مرکزی ایرادهایی به آن گرفته شد و برای بازنگری و اصلاح به هیئتی سه نفره شامل دکتر توفیقی (وزیر علوم)، دکتر غریبی (رئیس هیئت امنای منطقه ۲)، و رئیس مرکز نشر دانشگاهی سپرده شد. با تصویب این نمودار تشکیلاتی، مسیر مرکز نشر دانشگاهی به سوی فعالیتهای پژوهشی هموار می شود و یکی از شرایط گرفتن ردیف بودجه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تأمین می گردد.

■ ارزیابی کتاب در شوراهای تخصصی

در دو جلسه گروههای علمی مرکز که در دو ماه اول سال برگزار شد، راهبردهای فعالیت مرکز در زمینه های آموزشی - پژوهشی و نیز چگونگی انتخاب آثار برای چاپ و نشر مورد بررسی قرار گرفت. مقرر شد از این پس، آثاری که به مرکز معرفی می شوند، حتماً در شوراهای تخصصی گروهها مطرح و پس از تأیید آنها به حوزه معاونت پژوهشی مرکز ارسال شوند. انتظار می رود این راهبرد به بالا رفتن کیفی آثار انتخابی برای تألیف، ترجمه و نشر در مرکز نشر دانشگاهی کمک کند.



■ مدیر مالی تعیین شد

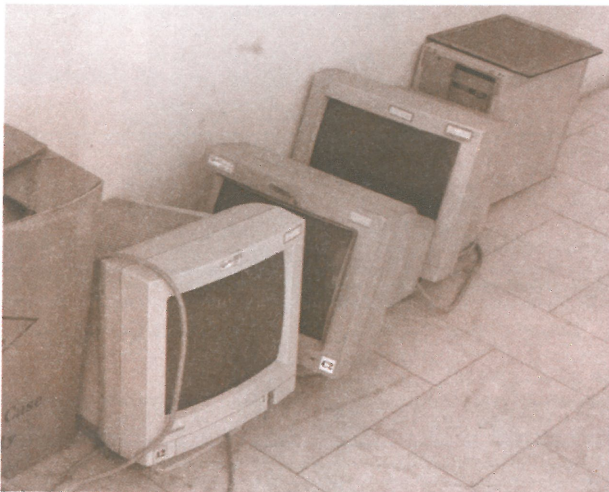
اکرم هاشمی طاری، پس از اصلاحاتی که در آیین نامه مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور صورت گرفت، از سوی دکتر مُر به مدیریت مالی مرکز نشر دانشگاهی منصوب شد. به این گونه، ذی حساب از نظام امور مالی حذف گردید تا دانشگاهها و مراکز پژوهشی اختیارات بیشتری در مورد هزینه کرد خود داشته باشند. متن حکم دکتر مُر از این قرار است:



سرکار خانم اکرم هاشمی طاری

به استناد این حکم، به سمت مدیر مالی مرکز نشر دانشگاهی منصوب می شوید. امید است در انجام کلیه وظایف مندرج در ماده ۱۹ اصلاحی آیین نامه مالی و معاملاتی دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و نیز ساماندهی به امور مالی مرکز نشر موفق باشید. توفیق شما را در وظیفه خطیری که به عهده می گیرید، از خداوند منان مسئلت دارم.

■ رایانه ها همچنان جایگزین می شوند



چهار دستگاه رایانه جدید از نسل پنتیوم ۴ با تجهیزات جانبی آن خریداری و به بخش های حروفچینی (دو دستگاه)، آی. تی (۱ دستگاه)، و امور اداری تحویل شد. این اقدام در جهت تحول در زیرساخت فناوری اطلاعات مرکز صورت گرفته است و تا نوسازی کامل تجهیزات رایانه ای مرکز ادامه خواهد یافت.

■ شوراهای تخصصی شکل می گیرند

سه شورای تخصصی ریاضی، زمین شناسی، و زیست شناسی در آخر اردیبهشت ماه رسماً تشکیل شده و جلسه یا جلساتی برگزار کرده اند. در مورد فعالیت شوراهای تخصصی گفت و گویی با دکتر یعقوب پور، معاون پژوهشی مرکز نشر دانشگاهی، صورت گرفته است که در صفحات بعد می خوانید.

■ دکتر حسن حبیبی و مرکز نشر دانشگاهی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درخواست دکتر مُر را پذیرفت و در جلسه ای که برای بررسی نحوه همکاری دو مرکز برگزار شد، بر برداشتن گامهای عملی برای تحقق مفاد تفاهمنامه مذکور تأکید گذاشت. دکتر حبیبی و دکتر مُر در این جلسه درباره چاپ سریع تر

واژه‌نامه‌ها و واژه‌گانه‌های مشترک و نیز برگزاری سمینار مشترک «استانداردسازی اصطلاحات حوزه نشر» به توافق رسیدند.

■ سمینار «استانداردسازی اصطلاحات نشر»، زمستان ۸۴

پاسخهایی که اهل قلم به اقتراح مرکز نشر داده‌اند، نشانگر آشفته‌گی در تعریف اصطلاحات نشر است. دکتر فرید مُر گفت که جوابهای رسیده به مرکز نشر دانشگاهی در مورد اصطلاحات رایج نشر مثل تألیف، ترجمه، اقتباس، گردآوری و... حتی نزد فرهیخته‌ترین نویسندگان و اساتید دانشگاه از توافق نسبی برخوردار نیست و ضرورت برگزاری سمینار «استانداردسازی اصطلاحات نشر» را به اثبات می‌رساند. در حال حاضر، مهندس کافی به عنوان دبیر علمی این سمینار به تجزیه و تحلیل آماری پاسخهای دریافت‌شده مشغول است. این سمینار به احتمال زیاد در زمستان ۱۳۸۴ برگزار خواهد شد.

■ تک، بالاخره یک‌شیفته شد

زمزمه‌های مربوط به ادغام دو گروه حروفچینی که در دو شیفت کار می‌کردند سرانجام صورت تحقق یافت و این گروه از همکاران مرکز نشر نیز نظمی هماهنگ با سایر کارمندان یافتند. گرچه این



تحولات کم‌هزینه نبود و موجب شد چهار نفر از همکاران بعدازظهر حروفچینی نتوانند خود را با شرایط جدید وفق دهند و از جمع دوستان قدیم خود جدا شدند.

■ خبرنامه مرکز نشر باید ویراسته باشد

گرچه یافتن غلط در نشریات — آن‌هم نشریات خبری — امری است معمول، اما چنین امری در مرکز نشر دانشگاهی ناپسند است؛ خواه در یک دوفصلنامه، خواه در یک ماهنامه. یکی از ویراستاران مرکز نشر گفته است که خبرنامه غلط چاپی و ویرایشی بسیار دارد. او خواهش ما را پذیرفت و قرار شد تا صفحاتی از خبرنامه را به سختگیرانه‌ترین شکل ویرایش کند تا نقاط ضعف ویرایشی خبرنامه به‌خوبی فاش شود، بلکه از این راه حتی اندکی بر کیفیت خبرنامه افزوده گردد.

فروش کتاب از پشت دیوار

مرکز در نمایشگاه
بین‌المللی کتاب ۳۰
درصد بیشتر فروخت

■ در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، غرفه نسبتاً کوچک مرکز نشر دانشگاهی با غلغله جمعیت دانشگاهی روبه‌رو شد. کار به جایی کشید که مراجعان باید از پشت دیوار بیرون غرفه که با ردیفی از قفسه‌های پُر از کتاب درست شده بود، سفارش کتاب می‌دادند. این کار به مذاق عده‌ای از آنها خوش نیامد و غرغره‌های زیر لب شروع شد. کاری نمی‌شد کرد، ۱۰۸۰ عنوان کتاب دانشگاهی در فضایی به وسعت ۴۵ متر مربع، ناگزیر باید روی زمین و وسط محوطه هم چیده می‌شدند. و البته یک ملاحظه غیر فرهنگی و شایع هم مزید بر علت بود؛ سال به سال موارد سرقت کتاب در نمایشگاه بین‌المللی افزایش یافته است. با وجود همه این چیزها، فروش امسال مرکز نشر دانشگاهی، نسبت به سال گذشته که تعداد عناوین، در همین حدود و وسعت غرفه، ۶۰ متر مربع بود، بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش در فروش، در حالی که بسیاری ناشران از کاهش فروش خود ناله می‌کردند، جالب‌انگیزناک (!) بود. خانم رحیمدل، صاحب‌منصب روابط عمومی و دفتر مجلات، معتقد است این افزایش نتیجه چند کار تبلیغاتی است که در شش ماه گذشته توسط روابط عمومی صورت گرفته‌اند. این اقدامات عبارتند از ارسال



خبرنامه

۵

مرکز نشر دانشگاهی
شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴



کشور، با این همه اسم و رسم، و این غرفه شلخته و به هم ریخته؟ پس این خدم و حشم گرافیک و چاپ و آدمهای خوش ذوق و قریحه مرکز کی قرار است به کار مرکز بیایند. مشکل از این دوستان نیست، مسئله این است که یکی باید این هنرمندان آبدیده و خاک خورده مرکز را به کار بگیرد و از هنر آنها برای طراحی و آرایش غرفه استفاده کند. البته این یک سوزن به دیگران و یک جوالدوز به خود زدن‌ها به این معنی نیست که سایر همپالگی‌های مرکز در نمایشگاه وضعیت بهتری داشته‌اند. بجز یکی دو غرفه ثروتمند، سایرین نیز برنامه چشمگیری برای کیفیت ارائه محصولات خود نداشتند. رحیمدل همه این کاستیها را می‌پذیرد و در واقع پیش از آنکه ما لب به انتقاد بکشاییم، خود به آنها اذعان می‌کند. او می‌گوید که اولین بار است که به عنوان مدیر روابط عمومی مرکز عهده‌دار برگزاری غرفه‌داری در نمایشگاه بین‌المللی شده و چند نقیصه اساسی را در کار خود تشخیص داده است. یکی اینکه برای سروکله زدن با مراجعان باید از افراد آشنا به کتاب و علمی استفاده کند (که تعدادی از همکاران جدید او در روابط عمومی واجد این ویژگیها هستند و در نمایشگاه هم خوب عمل کردند). دیگر اینکه کتابها را باید به دقت به صورت موضوعی طبقه‌بندی کند. سوم اینکه نرم‌افزاری مناسب برای امور فروش و حسابداری رایانه‌ای مرکز در نمایشگاه فراهم بیاورد. و دست آخر اینکه به نظرسنجی مناسب از مراجعان اقدام کند تا ضعفها و کاستی‌ها را بر اساس نیازهای مخاطبان مرکز نشر دانشگاهی بشناسد و برای جبران آنها برنامه‌ریزی نماید.

معرفی کتابهای جدید به کتابخانه‌ها، دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، انتشار خبرنامه، معرفی کتاب در جراید، چاپ پوستر مجلات و نیز ارسال جلد کتابهای چاپ اول به مراکز و افراد. رحیمدل که خود در تمام ده روز نمایشگاه در غرفه حاضر بوده، با افرادی برخورد کرده که همین جلدهای خالی را با خود به نمایشگاه آورده و داخل کتاب را تقاضا کرده‌اند! به علاوه، مراجعان اغلب کتابهای چاپ اول خریده‌اند و مجموع این شواهد، به نظر رحیمدل، در اثبات تأثیر کارهای تبلیغاتی روابط عمومی کافی است.

چرا واگذارکنندگان غرفه‌ها چنین مساحت اندکی را برای این تعداد کتاب در اختیار مرکز نشر دانشگاهی گذاشته‌اند؟ و چرا ناشر دیگری که باید بعد از مرکز نشر دانشگاهی قرار گیرد، قبل از آن و در مکانی مناسبتر غرفه آراسته است؟ (ترتیب غرفه‌ها بر حسب حروف الفبا بود، اما یک ناشر مشابه با مرکز که خود را رقیب نیز می‌داند و حرف اول آن «نون» است، درست روبه‌روی مرکز و پیش از آن قرار گرفته بود). رحیمدل زمان حضور در نمایشگاه به دنبال جوابی برای این سؤال با واقعیتهای ناخوشایندی مواجه شده است. او به دفتر نمایشگاه رفت و اعتراض کرد. حاصل جست‌وجو و گفت‌وگو او این شد که امسال تقسیم غرفه‌ها به عهده اتحادیه ناشران و کتابفروشان بود (سالهای گذشته این کار را معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به عهده داشت). اعضای این اتحادیه خود دستی در کار نشر و فروش کتاب دارند و از جمله صاحب همان نشر دانشگاهی‌ای که حرف اول آن «نون» است، یعنی آقای «ع» از اعضای اصلی هیئتی است که به کار تقسیم غرفه‌های ناشران دانشگاهی پرداخته‌اند. باری، بیش از این وارد ماجرا نمی‌شویم و برای آنکه بدانید در ورای رفتارهای اجتماعی و اقتصادی همین جماعت فرهنگی چه چیزها خفته است، به آوردن همین مختصر بسنده می‌کنیم.

بهتر است تعارف را کنار بگذاریم و خیلی صاف و صادق بگوییم که مرکز نشر، به رغم این همه حضور در نمایشگاه‌ها، و حتی برنده شدن به عنوان ناشر نمونه کشور در سال ۱۳۷۱، هنوز یک جو سلیقه در غرفه‌آرایی و آبروداری در این اماکن ندارد. بزرگترین ناشر دانشگاهی



خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی
شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

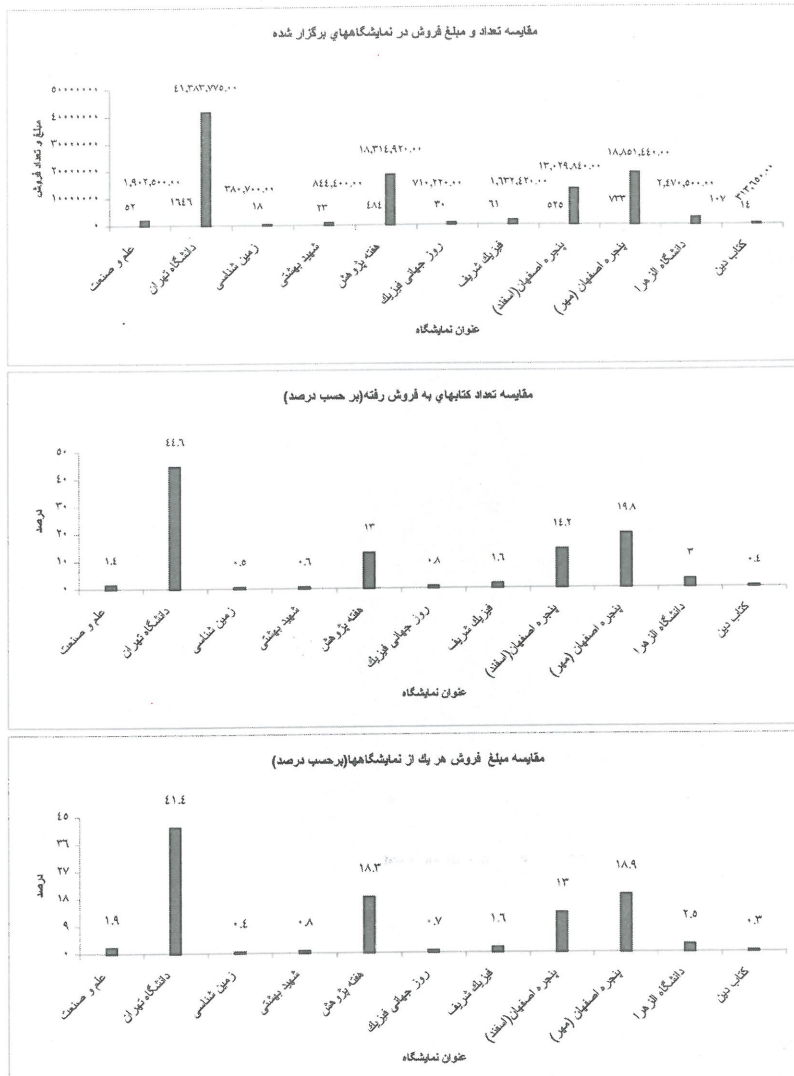
هوای مشتری را داشته باشیم

فائزه محبی / کارشناس روابط عمومی



نظرسنجی از مراجعان غرفه مرکز نشر دانشگاهی در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب نشان می‌دهد که گرچه راه ندادن آنها به داخل غرفه و دسترسی آزادانه به کتابها به مذاقشان خوش نیامد، اما برخورد صبورانه و صمیمانه غرفه‌داران تا اندازه‌ای این کاستی را جبران کرد. به طوری که از میان یکصد پرسشنامه پرشده، ۸۶ نفر برخورد مسئولان غرفه را مناسب دانسته‌اند. اما در مورد تنوع کتابهای چاپ مرکز، موارد جالب

توجهی به چشم می‌خورد: تنها ۱۴ درصد مراجعان از تنوع کتب پزشکی راضی بوده‌اند که پایین‌ترین رقم رضایت از کتابهای مرکز است. در رتبه بعدی، کتابهای هنر و معماری با ۱۷ درصد رضایت، از نبودن تنوع و طبعاً تعدد عناوین حکایت می‌کنند. بیشترین رضایت با ۴۰ درصد به کتابهای علوم پایه اختصاص دارد و آن گونه که نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهند، تعدد عناوین کتابهای مرکز نشر با حدود ۸۰ درصد بیشترین نظر موافق را به خود جلب کرده است.



گزارش روابط عمومی از نمایشگاههای برگزار شده در نیم سال دوم ۱۳۸۳



صدیقه بظالبویی / کارشناس روابط عمومی

که در اسفندماه برگزار شد با فروش ۱۳,۰۲۹,۸۴۰ در رتبه بعدی قرار دارد.

قابل ذکر است که در هر چهار نمایشگاه مذکور کتابهای به فروش رفته متنوع بوده و به گروه خاصی تعلق نداشته‌اند. نمایشگاه برگزار شده در دانشگاه الزهرا که به مدت ۵ روز برگزار شد، از فروش کمی برخوردار بود (کتب فارسی ۲,۴۷۰,۵۰۰ ریال و کتب لاتین ۱,۷۳۰,۵۰۰ ریال). در بقیه نمایشگاههای مشخص شده نیز به علت اینکه به گروه خاصی (فیزیک یا زمین‌شناسی) تعلق داشته است و همچنین به علت کمبود زمان برگزاری نمایشگاه مبلغ فروش کمتر بوده است.

نمایشگاه برگزار شده در کنفرانس زمین‌شناسی به مدت سه روز و همچنین نمایشگاه کتاب دین که یک روز به طول انجامید از فروش کمتری نسبت به بقیه نمایشگاهها برخوردار بوده است و علت آن را می‌توان کمبود کتابهای منتشر شده و عدم تنوع آنها در مرکز نشر دانشگاهی است.

در چهار نمایشگاه عنوان شده در ابتدای گزارش، کتابهای فیزیک، ریاضی و شیمی از فروش بیشتری برخوردار بوده‌اند که علت آن را می‌توان در دو مورد جست‌وجو کرد: تنوع موضوعات منتشر شده، و اینکه آنها جزء دروس عمومی به شمار می‌روند و در اکثر رشته‌های تحصیلی تدریس می‌شوند.

در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۳ مرکز نشر دانشگاهی در ده همایش و نمایشگاه داخلی شرکت کرد. ماحصل این حضور، یک فروش ده میلیون تومانی بود که این گزارش نکاتی در مورد شرایط و ویژگیهای این نمایشگاهها و نحوه حضور مرکز در آنها را ارائه می‌کند.

با احتساب تمامی نمایشگاههای برگزار شده در سال ۱۳۸۳ و ترسیم نمودار ستونی مربوط به کلیه نمایشگاهها مشاهده می‌شود که از کل مبلغ ۹۹,۵۲۰,۷۱۵ ریال، دانشگاه تهران با بیشترین فروش — که بیشتر از نصف مبلغ کل را شامل می‌شود — رتبه اول را به خود اختصاص داده است. این نمایشگاه به علت مرکزیته که دانشگاه تهران برای عموم دارد در بین دانشجویان و طالبان علم حائز اهمیت است و از مراجعه‌کننده بیشتری نسبت به بقیه نمایشگاهها برخوردار بوده است.

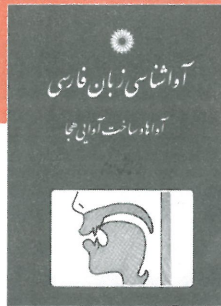
نمایشگاه برگزار شده در دانشگاه صنعتی اصفهان که در مهرماه برگزار شد و «پنجره» نام داشت، با رقم ۱۸,۸۵۱,۴۴۰ ریال در رتبه دوم فروش قرار دارد.

نمایشگاه برگزار شده در هفته پژوهش با رقم ۱۸,۳۱۴,۹۲۰ ریال در رتبه سوم فروش قرار دارد. نمایشگاه دوم «پنجره» در اصفهان



خبرنامه
مرکز پژوهش‌های
شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

**آواشناسی زبان فارسی، آواها و
ساخت آوایی هجا
(ویرایش دوم)
یدالله ثمره**



این کتاب کوششی است در زمینه شناخت و توصیف آواهای زبان فارسی در چهارچوب کاربرد عملی آنها. مخاطبان کتاب، اگرچه بیشتر دانشجویان زبان‌شناسی هستند، اما برای استفاده خوانندگان علاقه‌مند دیگر

رشته‌ها سعی شده است که اولاً زبان ساده و تا حدی غیر فنی در آن به کار گرفته شود و ثانیاً در مورد بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم شرح و توضیح کافی داده شده است. این مطالعه همه‌جانبه بر روی هجاهای فارسی برای اولین بار در ایران ارائه می‌شود. روش کار نویسنده، تجربه و آمارگیری است و گویشور مرجع کتاب، فرهنگ فارسی دکتر محمد معین است. بدین ترتیب که کلیه مواد فرهنگ مزبور از آغاز تا پایان واحد به واحد بررسی و تقطیع هجایی شده و انواع هجاها با ساختهای آوایی گوناگون گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کتاب «آواشناسی زبان فارسی» در چاپ پنجم (در سال ۱۳۷۸) یک بار دیگر ویراسته شد و چاپ فعلی چاپ هشتم کتاب از سال ۱۳۶۴ و چاپ سوم کتاب از ویرایش دوم آن است. کتاب ۲۰۸ صفحه دارد و بهای آن ۱۵۰۰ تومان است.

**مهندسی ترافیک
جلیل شاهی**

ویراسته مرحوم محمد دانش



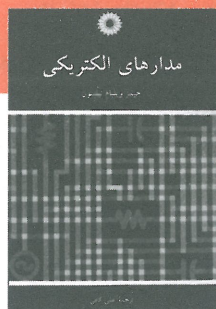
«مهندسی ترافیک» اولین کتابی است که درباره مهندسی ترافیک به زبان فارسی نوشته شده است. مؤلف در پی کتابی مناسب برای ترجمه بوده است، اما در انتخاب کتابی که نیاز درسی دانشجویان دوره کارشناسی را بر اساس برنامه و سرفصلهای پیش‌بینی شده در برنامه‌های مصوب شورای عالی

برنامه‌ریزی وزارت علوم مرتفع سازد و در عین حال موضوعات اساسی این رشته را در بر گیرد تا نظر علاقه‌مندان را نیز تأمین کند، با دشواری مواجه شده است. از همین رو، تصمیم می‌گیرد تا بر اساس تجربه چندین ساله خود در دانشگاه‌های کشور، کتابی در این زمینه تألیف کند. این کتاب در ده فصل تنظیم شده و در آنها به روند مطالعه و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری و اهمیت، وسعت آن، پارامترهای اصلی ترافیک، وسایل کنترل ترافیک، پارکینگها، ظرفیت جاده‌ها و طرح جاده‌های شهری، تقاطعات، آلودگی‌های ناشی از ترافیک و مدیریت ترافیک پرداخته شده است.

«مهندسی ترافیک»، اول بار در سال ۱۳۶۸ منتشر شد و اکنون هفتمین نوبت چاپ را از سر می‌گذرانند. این کتاب ۲۳۴ صفحه‌ای را می‌توانید به بهای ۱۷۰۰ تومان تهیه کنید.

**چاپ مرکز
کتاب‌های منتشر شده**

**مدارهای الکتریکی
جیمز ویلیام نیلسون
ترجمه علی کافی**



هدف نویسنده در این کتاب، آشنا ساختن خواننده با نظریه تحلیل مدار است. خواننده باید با حساب دیفرانسیل و انتگرال مقدماتی آشنا باشد و یک درس فیزیک مقدماتی در سطح دبیرستان یا دانشگاه بگذراند و با مفاهیم انرژی، توان، بار الکتریکی، جریان الکتریکی، پتانسیل الکتریکی، و میدانهای الکترومغناطیسی

آشنا شود. اصول و قوانین تحلیل مدار، مدار تقویت‌کننده عملیاتی، حالت ماندگار مدارهایی با محرک سینوسی، مفهوم القاکنایی متقابل، تشدید موازی و متوالی، تبدیل لاپلاس، پاسخ حالت - ماندگار مدارها به منابع تحریک متناوب، و تحلیل دودهنه‌های دارای اتصالات ورودی و خروجی در بیست فصل این کتاب ارائه شده‌اند. کتاب برای دو ترم چهارماه و نیمه پیاپی طراحی شده است.

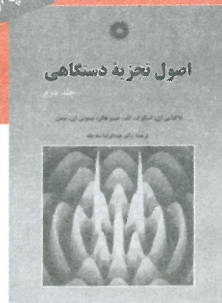
این کتاب ۹۸۸ صفحه‌ای، بار اول در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسید و پنجمین چاپ آن در ۱۵۰۰ نسخه، به قیمت ۶۷۰۰ تومان به فروش می‌رسد.



اساسی مورد استفاده زمین‌شناسان را به منظور بازسازی تاریخ زمین به دانشجویان بازگو می‌کند و همچنین به آنها نشان می‌دهد که این ابزارها را چگونه می‌توان به کار برد و الگوی تغییرات محیط جهانی را در ۴۶۰۰ میلیون سال گذشته تهیه کرد. کتاب از دو بخش تشکیل شده است و در آن دربارهٔ چگونگی استفاده از چینه‌شناسی برای شناخت تاریخ زمین و چگونگی استفاده از آن به صورت ابزاری پویا در کشف محیط‌های قدیمی زمین بحث می‌شود. در بخش نخست، روش‌های اساسی چینه‌شناسی مورد استفاده برای سن‌یابی و تفسیر و توالی‌های سنگها به صورت فرآوردهٔ رویدادهای مختلف تاریخ زمین، بررسی می‌شود. بخش دوم کتاب، نتایج به‌دست‌آمده توسط زمین‌شناسان را ارائه می‌کند.

«شناخت تاریخ زمین» برای اولین بار چاپ شده و ۲۶۸ صفحهٔ آن، ۲۴۰۰ تومان قیمت خورده است.

چاپ اول



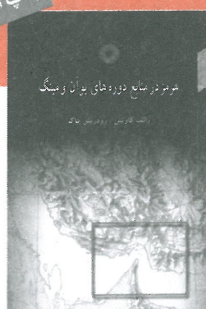
اصول تجزیه دستگاہی (جلد دوم)
داگلاس ای. اسکوک، اف. جیمز
هالر، تیموتی ای. نیمین
ترجمهٔ دکتر عبدالرضا سلاجقه

این کتاب دوجلدی، یکی از پرفروشترین کتابهای درسی در زمینهٔ شیمی تجزیهٔ دستگاہی در بیشتر کشورهای انگلیسی‌زبان است و بیش از سی سال است که در بیشتر دانشگاههای ایران تدریس می‌شود. جلدهای اول و دوم این کتاب، ترجمهٔ

چاپ پنجم «اصول شیمی تجزیهٔ دستگاہی» تألیف اسکوک - وست (۱۹۹۷) است. جلد اول شانزده فصل دارد و تمام مطالب طیف‌بینی (به انضمام پاسخ مسائل) را در بر می‌گیرد. جلد دوم، شامل دوازده فصل است و فنون مختلف شیمی الکتروآنالیتیکی، انواع کروماتوگرافی و الکتروفورز و انواع راههای تجزیه‌ای شامل روشهای گرمایی، پرتوشیمیایی و خودگردان را در بر می‌گیرد.

کتاب «اصول تجزیهٔ دستگاہی» در مجموع ۷۴۰ صفحه دارد و جلد دوم آن به بهای ۳۷۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

چاپ اول



هرمز در منابع دوره‌های یوان و مینگ
رالف کاوتس، رودریش پتاک
ترجمهٔ مهرداد وحدتی

نویسندگان این رساله، رویدادها و اخبار مربوط به هرمز را از منظر متون چینی دوره‌های یوان و مینگ و مقایسهٔ آنها با روایت‌های راویان ایرانی و اروپایی همدورهٔ آنها عرضه می‌کنند. ناوگان چینی ژنگ هه چهار نوبت در خلیج فارس در هرمز پهلو گرفت. راویان این چهار سفر هر یک شرحی جداگانه از این سفرها به دست

داده‌اند. آنان برداشت خود را از هرمز و مردم آن، زیست‌بوم آن، آداب و رسوم آن، روابط تجاری آن با دیگر مناطق جهان و محصولات آن را در قرن پانزدهم میلادی بازگو کرده‌اند.

ترجمهٔ این کتاب تاریخی، برای اولین بار در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده و ۹۴ صفحهٔ آن به بهای ۸۵۰ تومان قابل اتیاع است.

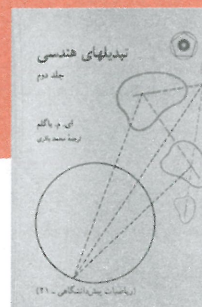
تبدیل‌های هندسی (جلد دوم)

از مجموعهٔ ریاضیات پیش‌دانشگاهی

۲۱-

ای.م. یاگلم

ترجمهٔ محمد باقری



این کتاب که از مجموعهٔ New Mathematical Library برگزیده شده است، بخش دوم از کتاب «تبدیل‌های هندسی» اثر ای.م. یاگلم است. کتاب یک متن درسی در هندسهٔ مسطحه نیست، بلکه برعکس، مؤلف فرض را بر آن گذاشته

که خواننده کم‌وبیش با موضوع آشنایی قبلی دارد. بخش دوم، با شکلهای متشابه و با تبدیل‌هایی که تشابه را حفظ می‌کنند سر و کار دارد. روی هم رفته، هشتاد و سه مسئله عرضه شده که خواننده باید پیش از آنکه به راه حل آنها در نیمهٔ دوم کتاب مراجعه کند، خود به حل آنها بپردازد.

«تبدیل‌های هندسی» برای دومین بار است که پس از سال ۱۳۶۹ چاپ می‌شود. این کتاب ۲۴۰ صفحه دارد و به ۱۳۰۰ تومان می‌شود آن را خرید.

تهویهٔ مطبوع

نورمن سی. هریس

ترجمهٔ مهندس محمدباقر پورسید

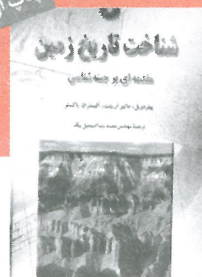


کتاب «تهویهٔ مطبوع» متن درسی پایه برای تکنیسین‌ها و مهندسان شاغل در صنعت تهویهٔ مطبوع است. در عین حال، راهنمایی عالی برای نقشه‌کشهای معماری، طراحان، مهندسان فروش، و پیمانکاران تهویهٔ مطبوع نیز هست. این کتاب برای استفاده در دانشکده‌ها و مؤسسات

آموزشی فنی بسیار مناسب است، ولی تأکید بر حرفهٔ تهویهٔ مطبوع موجب می‌شود که برای استفاده در مدارس فنی - حرفه‌ای، برنامه‌های صنعتی و آموزشی نظامی، و برای برنامه‌های مطالعه و خودآموزی در خانه، نیز، به همان اندازه، سودمند واقع شود.

ویرایش جدید این کتاب، در پاسخ به تغییرات سریع صنعتی در طول

چاپ اول



شناخت تاریخ زمین، مقدمه‌ای بر

چینه‌شناسی

پیتر دویل، ماتیو آر. نیت، آلایستر ان.

پاکستر

ترجمهٔ مهندس محمد رضا اسمعیل بیگ

این کتاب، به باور نویسندگان آن، نخستین کتاب درس چینه‌شناسی است که ابزارهای

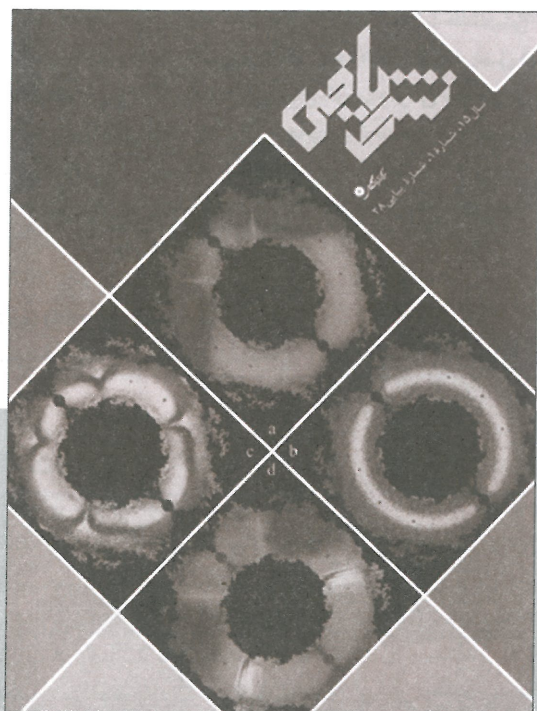


۹

خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی
شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

آخر دبیرستان و به‌ویژه آنهایی که به درک عمق مسائل زیست‌شناسی علاقه‌مند و در تلاش گذراندن مسابقات ورودی دانشگاهها و پذیرفته شدن در رشته دلخواه خود هستند نیز به‌خوبی از این کتاب بهره می‌برند. نه نفر مترجم، هر یک به فراخور رشته تحصیلی یا موضوع مورد علاقه، ترجمه کامل ۵۵ فصل کتاب، فرهنگ توصیفی، و پیشگفتار مؤلفان را به عهده داشته‌اند.

در کارنامه انتشاراتی مرکز نشر دانشگاهی کتابهای دانشگاهی ارزشمندی دیده می‌شوند. اگر نگوئیم این کتاب در رتبه اول این مجموعه است، قطعاً جزء چند کتابی از این نوع هست. کتاب در سال ۱۹۸۶ اول بار در آمریکا منتشر و طی ده سال ۲۵۰ هزار نسخه از آن فروخته شد. اکنون ترجمه کتاب «زیست‌شناسی» در دو جلد رحلی، ۱۳۷۶ صفحه چهاررنگ و بهای ۲۵ هزار تومان در بازار کتاب موجود است.



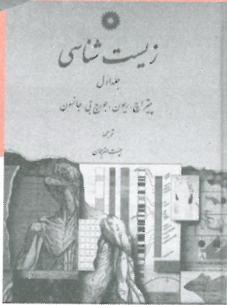
دانشگاهی در ایران — پرداخته می‌شود.

در آخرین شماره این مجله که اسفندماه سال ۱۳۸۳ منتشر شد، ابتدا جوایز گوناگون ریاضی در سال ۲۰۰۵ معرفی شده‌اند. در ادامه یادی از چهار ریاضی‌دان نامی که در فاصله انتشار دو شماره آخر «نشر ریاضی» جان سپرده‌اند، به نامهای شینگ شن چرن، الگا الکساندرنا لادیژنسکایا، والتر فایت، و شی‌زوئو کاکوتانی به عمل آمده است. مقاله‌ای از ریچارد استنلی از دانشگاه ام. آی. تی، با عنوان «پیشرفتهای اخیر در ترکیبیات جبری»، مقاله‌ای از دیوید بیلی و جان‌تاتان بورواین در مورد ریاضیات تجربی، مطلبی جذاب از دیوید فریدمن و فیلیپ استارک با عنوان «احتمال وقوع زلزله چیست؟»، قسمت اول از مقاله «فلسفه آمار» دنیس لیندلی، یک مقاله کلاسیک در مورد طراحی حرف S با استفاده از ریاضیات از داندل کنت، و سرانجام «تعمیم قضیه‌ای از گاوس به گروههای متناهی» از محمدرضا پورنکی، بخش اصلی مطالب این شماره «نشر دانش» را تشکیل می‌دهند.

ده سال گذشته، به طرز گسترده‌ای بازنگری و روزآمد شده است. در واقع، سه زمینه بحث‌انگیز جدید، حرفه تهویه مطبوع را در سالهای اخیر متحول کرده است: بحران انرژی، حرکت به سوی استفاده از یکاهای متری در ایالات متحده آمریکا، و نیاز اضطراری به گسترش و به‌کارگیری منابع انرژی تجدیدشونده.

ریاضیات مورد نیاز برای درک این کتاب در حد متوسط است و با قابلیت‌های بیشتر فارغ‌التحصیلان دبیرستان تطبیق می‌کند. کتاب «تهویه مطبوع»، دارای ۹۰۶ صفحه است و این اولین چاپ آن ۸۲۰۰ تومان قیمت دارد.

چاپ اول



زیست‌شناسی (در دو جلد)
پیتراچ، ریون، جورج بی. جانسون
ترجمه الهه الهی، امید اقتداری... و
جمعی دیگر
ویراسته محمدرضا داهی

این کتاب مجموعه کاملی از موضوعهای پایه‌ای زیست‌شناسی است که در ۱۳ بخش و ۵۵ فصل در دسترس دانشجویان رشته‌هایی قرار می‌گیرد که به نحوی با علوم زیستی سروکار دارند و می‌تواند برای دانشجویان رشته‌های زیست‌شناسی،

پزشکی، دندان‌پزشکی، داروسازی، کشاورزی، منابع طبیعی، چرستاری، و روان‌شناسی کاملاً سودمند باشد. دانش‌آموزان رشته‌های تجربی سالهای

طراحی مناسب حرف S در تک، و نشر ریاضی

چند سال پیش وقتی درباره طراحی یک الفبای مناسب برای حروفچینی با وسایل جدید فکر می‌کردم، فهمیدم که طراحی ۲۵ حرف از حروف الفبای انگلیسی نسبتاً ساده است. حرف باقیمانده S بود. سه شبانه‌روز اوقات پرتلاش مشقت‌بار گذراندم تا فهمیدم که واقعاً S مناسب چطور می‌تواند تعریف شود. راه حلی که در نهایت به آن رسیدم، شامل ریاضیات جالبی بود و من عقیده دارم که دانشجویان حسابان و هندسه تحلیلی، همانند من از تحلیل این مسئله لذت خواهند برد. هدف این مقاله توضیح چیزی است که من اکنون آن را به عنوان ریاضیات درست و اصولی Sهای چاپی می‌شناسم...

داندل کنت مخترع سیستم حروفچینی تک (TEX)، در این مقاله با زبان ریاضی روش خود را در طراحی فونتهای نرم‌افزار ابداعی خود — و به صورت مشخص حرف S — توضیح می‌دهد. این مقاله، یکی از مطالب شماره جدید «نشر ریاضی» است. «نشر ریاضی»، مجله‌ای تخصصی است که از پانزده سال پیش به مدیریت مسئولی دکتر سیاوش شهشهانی منتشر می‌شود. دوره انتشار مجله شش‌ماهه است و در آن به معرفی پیشرفتهای جدید ریاضیات، معرفی شاخه‌های جدید علوم ریاضی و همچنین مباحثی که مورد توجه پژوهشگران است، معرفی جنبه‌های کاربردی، فرهنگی، فلسفی، و تاریخی ریاضیات، معرفی کارهای ریاضی‌پژوهان فارسی‌زبان و ایجاد ارتباط بین آنان، و طرح مسائل آموزشی ریاضیات — به‌ویژه مسائل مربوط به آموزش ریاضیات



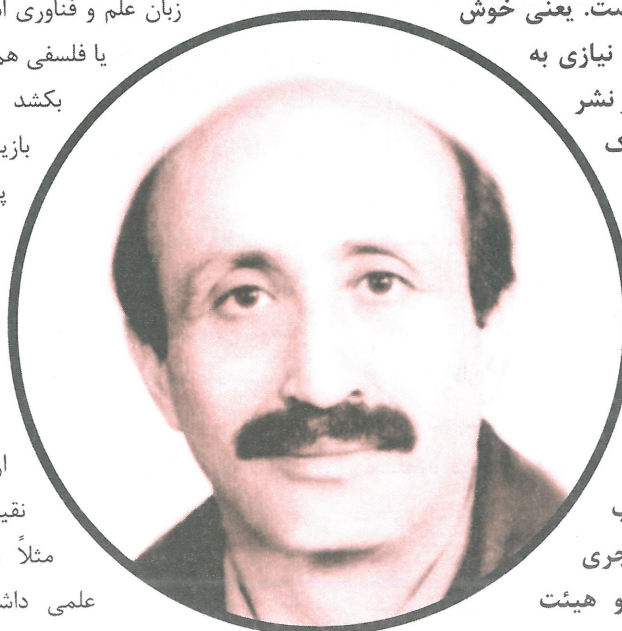
خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی
 شماره پنجم
 خرداد ۱۳۸۴

ترجمه و ویرایش پنج توصیه برای بی‌پولها

را — که سعی کردیم به لحن خودش شبیه باشد و به مرکز نشر دانشگاهی مربوط باشد و حول و حوش ترجمه کتاب هم باشد — تقدیم او کردیم، با این نیت که سؤالات بهانه‌ای باشند تا بهاری در زمینه ترجمه و تألیف کتاب در مرکز نشر دانشگاهی نظر بپردازد و قلم بتازد. ماحصل این گفت‌وگوی مکتوب گرچه از پرسش‌های بهانه‌ای فراتر نرفت، اما هم پرسش‌ها(!) و هم پاسخهای شیوای جناب بهاری آن‌همه خواندنی از آب درآمده‌اند که ارزش لااقل یک بار خواندن را داشته باشند.

یکم. جناب آقای بهاری، بعضی می‌گویند کتابهای فنی و علوم پایه برای ترجمه سراسرتر از کتابهای ادبی و فلسفی‌اند و بنابراین، راحت‌تر و کم‌دردسرت‌تر. نظر شما هم همین است؟ از همین اولین سؤالتان پیداست که این گفت‌وگو قرار است درباره ترجمه و ویرایش باشد. پس بهتر است همین الان عرض کنم که مطالبی که من در پاسختان می‌گویم، صرفاً مبتنی بر تجربه‌های خیلی شخصی است و لاجرم ممکن است اساس نظری نداشته باشد. به همین مناسبت، سعی می‌کنم «حرفهای گنده» نزنم که خودم تویش بمانم. نه فقط به خاطر اینکه خبرنامه جای نظریه‌پردازی نیست، بلکه بیشتر به این علت که — بین خودمان بماند — خودم سواد نظری چندانی در این امور ندارم. اینها را توضیح دادم تا یک‌وقت خدای ناکرده دانشمندان علوم ترجمه و ویرایش و همکاران نظریه‌دانم از خواندن حرفهایم عصبانی نشوند. حالا در جواب سؤالتان می‌توانم بگویم که به طور کلی بله. دست کم‌اش به خاطر اینکه زبان ادبیات و فلسفه ناگزیر ظریف‌تر یا پیچیده‌تر از

آقای بهاری بسیار خوش‌نویس است. یعنی خوش و شیرین می‌نویسد و از این بابت نیازی به معرفی ندارد. این همکار سابق مرکز نشر که حدود سی سال پیش با مدرک فوق لیسانس مهندسی هسته‌ای از لندن به ایران بازگشت، از همان ابتدا یعنی سال ۱۳۵۹ سروکارش به مرکز افتاد و تا سال ۱۳۸۲ گاه تمام‌وقت و گاه پاره‌وقت با آن همکاری کرد. در برهه‌ای عضو و مدتی مدیر گروه فیزیک شد و چندین کتاب ترجمه کرد. او سالها ویراستار مجری مجله فیزیک بود و اکنون عضو هیئت ویراستاران این مجله است. چندی پیش سؤالاتی



زبان علم و فناوری است و بنابراین مترجم متن ادبی یا فلسفی هم عموماً باید خیلی بیشتر زحمت بکشد تا بلکه بتواند حس و حال و بازیهای زبانی نوشته ادبی یا مفاهیم پیچیده فلسفی را حتی‌الامکان درست‌تر منتقل کند. اما این‌چنین جور حکمهای کلی صادر کردن شاید کار درستی نباشد. چون ممکن است در این آشفته‌بازاری که همگی از آن خبر داریم، مثالهای نقیض این حکم هم زیاد باشد. مثلاً ممکن است ترجمه‌های خوب علمی داشته باشیم که، در مقایسه با ترجمه‌های سرسری ادبی یا فلسفی، خیلی





بیشتر کار برده باشند. برای چنین مقایسه‌هایی لازم است که تعریف مقبول یا دست کم تلقی مشترکی از مقولات مربوط به نشر و کتاب داشته باشیم. پس بگذارید بین خودمان قرار بگذاریم که در ادامه این گفت‌وگو منظورمان از «کتاب» فقط محصولات ناشران و مؤلفان و مترجمان و ویراستاران باصلاحیتی است که نگران آبروی حرفه‌ای خودشان و مراقب حرمت خواندگانشان هستند و سعی می‌کنند کارهایشان پاکیزه باشد.

حالا مطمئن‌تر می‌شود گفت که ترجمه متون ادبی و فلسفی، و به طور کلی متون علوم انسانی، به خاطر ماهیت و موضوع این کتابها پُر زحمت‌تر است. ترجمه متون علمی و فنی کار مکانیکی‌تری است و مشکلاتش کمتر است. تنها مشکل این کار شاید برگرداندن اصطلاحات علمی باشد. به نظر بنده، مترجمان متون ادبی و فلسفی، علی‌رغم مشکلات زیادشان، عموماً بسیار موفق‌تر از مترجمان متون علمی و فنی عمل کرده‌اند. ما در این زمینه‌ها در کشورمان مترجمان باسواد و باقریحه‌ای داریم که به لطف آشنایی‌شان با موضوع کتابی

که ترجمه می‌کنند و دستی که خودشان در ادبیات یا فلسفه دارند، گاهی کارشان به نوعی بازآفرینی یک اثر در یک زبان دیگر است. یعنی شأن کارشان از ترجمه صرف خیلی بالاتر است. اما ترجمه‌های علمی و فنی‌مان عموماً چنگی به دل نمی‌زنند و اغلبشان — بخصوص کتابهای درسی دانشگاهی — گرفتار نوعی زبان قالبی و غیرطبیعی‌اند که رگه‌های زبان اصلی در سرتاسرشان پیداست.

یا حتی بخشهایی از کتابهای مختلف که این «ادیتور» آنها را به منظور معینی — مثلاً سر هم کردن مطالب پراکنده درباره یک موضوع یا یک شخص — انتخاب و جمع‌آوری می‌کند و به سلیقه خودش کنار هم می‌چیند. چنین ادیتوری ممکن است عملاً کاری به ویرایش هم نداشته باشد. در هر حال، مورد اول یک پدیده استاندارد مرسوم در مجامع دانشگاهی است و بهتر است به ادیتور آن در فارسی بگوییم ویراستار. اما مورد دوم در فارسی خیلی معادله‌ها دارد: مثلاً «زیر نظر»، «گردآوری»، «به اهتمام»، «به انتخاب»، و حتی «به لطف»!

سیم. ویراستارها از ویرایش ترجمه دیگران فرار می‌کنند. علت چیست؟

گمان نمی‌کنم این اقدام عمومیت داشته باشد. اگر چنین بود که تا حالا نصف پرسنل مرکز نشر به کلی مفقودالتر شده بودند! اما اگر منظورتان ویراستاران کهنه‌کار و خسته است، درست می‌گویید. علتش این است که اینها پس از مدتی می‌فهمند که چه کلاهی سرشان رفته است. سالها خون دل خورده‌اند و چشم و چالشان را ضعیف کرده‌اند تا کتابهای دیگران را درست کنند و حالا دیگر رمقی برای کارهای خیریه و خیراتی ندارند. شما اگر باشید، اگر ببینید با همان وقتی که برای ویرایش می‌گذارید می‌توانید کل کتاب را ترجمه کنید و حق‌الزحمه و جایزه‌اش را هم خودتان بگیرید، از ویرایش فرار نمی‌کنید؟

ترجمه کتاب
درسی در صورتی «اثر»
محسوب می‌شود که مترجم
واقعاً برایش مایه بگذارد. یعنی
علاوه بر انتقال درست مطالب و
اصطلاحات سعی کند زبان کتابش
هم طبیعی و بی‌ابهام و پاکیزه
باشد

چهارم. چگونه با ترجمه یا چاپ یک کتاب علمی

یکشبه پولدار بشویم؟ روش خود را حداکثر در پنج گام توضیح بدهید.

به این سؤالتان نمی‌توانم جواب بدهم، چون واقعاً نمی‌دانم. در عوض، برای خالی نماندن عریضه می‌توانم چند تا توصیه اصولی به علاقه‌مندان کتاب که همزمان علاقه‌مند رفاه هم هستند تقدیم کنم:

۱. سعی کنند از همان اول حتی‌الامکان در خانواده‌ای قدم به عرصه وجود بگذارند که رئیس‌اش معلم یا مترجم و از این قبیل نباشد.
۲. اگر کار از کار گذشته است و قبلاً پا به عرصه وجود نهاده‌اند، دست کم سعی کنند تمام خزعبلاتی را که در انشاهای دبستان نوشته‌اند فراموش کنند و تا پایان عمر در «رودرواسی» ارزشهای معنوی نمانند.

۳. در جوانی کلاً سعی کنند که به جای مترجم یا ویراستار شدن دنبال کارهای آبرومند بگردند. مثلاً یک پیشنهاد این است که به کمک دوستانشان یک بقالی دونیش (مینی‌سوپر بزرگ!) در سر

دویم. اینکه روی بعضی کتابهای خارجی به جای written by می‌نویسند edited by، یعنی چه؟ و این ادیتور چه جایگاهی در سلسله شئونات تألیف کتاب دارد؟ و در فارسی معادلش چیست؟

تا آنجا که بنده دیده‌ام، این اتفاق در یکی دو مورد می‌افتد. یکی در مورد مجموعه مقالات سمینارها یا کنفرانسها که یک نفر که معمولاً یک آدم باسواد و باتجربه دانشگاهی است و به کل موضوع یک کنفرانس اشراف دارد، می‌آید و تک‌تک مقالات عرضه‌شده به آن کنفرانس را ویرایش و کم و زیاد می‌کند و به صورت مجموعه منظمی منتشر می‌کند. در این مورد البته اسم صاحبان مقالات در پایین یا بالای خود مقالات می‌آید. معمولاً این آدم مقدمه‌ای هم در اول مجموعه می‌نویسد و در هر حال صلاحیتش را دارد که اسمش روی جلد بیاید.

مورد دیگر، مجموعه‌هایی است شامل اطلاعات و مقالات و گزارشها

کوچه‌شان تأسیس کنند.

۴. اگر نتوانستند و سر از اداره درآوردند، اقلأ اخلاقشان را خوب کنند که به عضویت هیئتهای مدیره دربیایند و در ضمن سازمانهای دیگر را هم از مشاورت خود محروم نکنند. یادشان باشد که دوران ایثار مدتهاست سپری شده است و به ازای هر نفس عمیقی که می‌کشند برای خودشان پاداش بنویسند. در عین حال، نگران «کسر شأن» خودشان نباشند؛ مثلاً همزمان در سه‌چهار تا تعاونی مسکن عضو شوند. از گرفتن زمین و ماشین و موبایل و غیره به نرخ دولتی دریغ نکنند. در سفرهای خارجی با خودشان کنسرو لوبیا ببرند، در خوابگاه کنسولگری مربوطه بیتوته کنند، و ارزهای نازنینشان را به میهن برگردانند.

۵. برای اینکه این توصیه‌ها به کار کتاب هم بی‌ربط نباشد، بهتر است در تمام مراحل زندگی در کیف دستی خودشان یک کتاب علمی خارجی و یک جلد دیکشنری هم داشته باشند و گاه‌گاهی چند خطی ترجمه کنند تا صنعت یکباره فراموششان نشود. افرادی که به این توصیه‌ها عمل کرده‌اند، می‌توانند در دوران بازنشستگی قلکشان را بشکنند و راحت به نوشتن خاطراتشان بپردازند. نوشتن در رفاه احتمالاً باید خیلی کیف داشته باشد.

پنجم. اگر کتاب پرفروشی را ترجمه کنید، ترجیح می‌دهید کدام راه را انتخاب کنید:

الف) چاپ به صورت ناشر - مؤلف

ب) فروش حقوق کتاب به صورت یکجا

ج) گرفتن درصد پشت جلد؟

عقل سالم حکم می‌کند که آدم راه سوم را انتخاب کند. اما چون عقل سالم مستلزم بدن سالم است و تأمین هزینه نگهداری بدن سالم را هم نمی‌شود به آینده دور موکول کرد، ناچار می‌شود به گزینه دوم رضایت بدهد و بعد سالهای سال با حسرت به چاپهای جدید کتابش در ویرترین فروشگاه مرکز نشر نگاه کند.

ششم. مرکز نشر تاکنون چه تأثیری در کیفیت ترجمه و

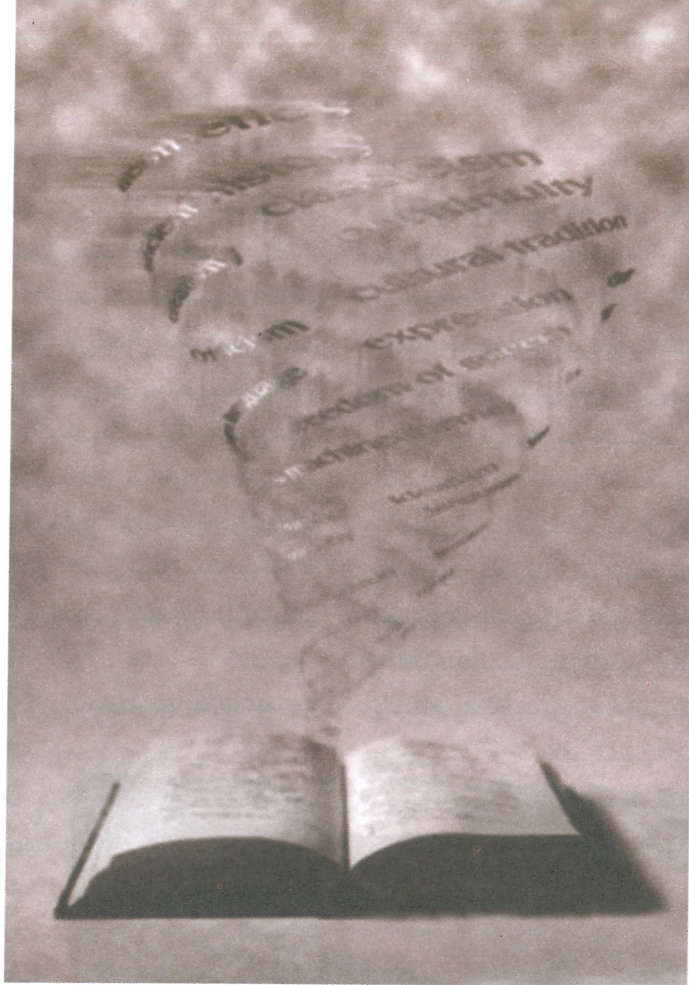
ویرایش کتابهای دانشگاهی داشته و از این پس چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

مرکز نشر در دوران فعالیتش مسلماً در تحول امور ترجمه و ویرایش کتاب، بخصوص متون درسی دانشگاهی، سهم بزرگی داشته است. قبل از پا گرفتن این مرکز، کار ویرایش و حرفه ویراستاری به معنی دقیقش نه‌تنها در میان عوام شناخته نبود، بلکه در میان خواص هم رسمیتی نداشت. البته در دهه‌های گذشته داشته‌ایم مؤسساتی مثل فرانکلین یا بنگاه ترجمه و نشر کتاب که برای تولید ترجمه‌های درست و پاکیزه برنامه‌ریزی کرده بودند و کارهای خوبی هم کردند، اما می‌شود گفت که لزوم ترجمه دقیق و کامل کتابهای درسی دانشگاهی را مرکز نشر جا انداخته است. پیشترها، قبل از تأسیس این مرکز، کتابهای درسی دانشگاهی منحصر بود به آنهایی که اعضای دانشگاهها معمولاً در خود دانشگاهها ترجمه

و منتشر می‌کردند و در میان آنها ترجمه‌های کامل و معقول و قابل اطمینان کمتر پیدا می‌شد. شما اگر نگاه کنید به روی جلد کتابهایی که در آن سالها مثلاً در دانشگاه فلان منتشر شده است، با انواع و اقسام مقولات «من‌درآری» و تعریف‌ناشده‌ای از قبیل «ترجمه و تألیف»، «ترجمه و اقتباس»، «ترجمه و تلخیص» (و به قول یکی حتی «ترجمه و

تحریف»!) مواجه می‌شوید که اصلاً معلوم نیست جایشان در کجای طیفی است که یک سرش تألیف و طرف دیگرش ترجمه خالص است. و تازه همین ترجمه‌های دست و پاشکسته و مغلوط هم چنان «کار علمی» محسوب می‌شد که برای صاحبانشان ترفیعات افقی و عمودی دانشگاهی به ارمغان می‌آورد. دانشگاهها این «آثار» را چنان جدی می‌گرفتند که روی جلد آنها را علاوه بر نام و نشان مترجم، به القاب و درجات دانشگاهی و کارخانه‌ای‌اش هم آذین می‌بستند. انگار که خود مؤلفانی که اصل کتاب را نوشته‌اند فقط دوسه کلاس اکابر رفته‌اند و هیچ عنوان دانشگاهی ندارند. (متأسفانه باقی‌مانده این سنت چراغانی روی جلد هنوز هم که هنوز است حتی در کارهای بعضی ناشران





کلام اینکه، به لطف فعالیتهای مرکز نشر، این نوع تلقیهای ساده لوحانه از تولید کتابهای درسی و این هرج و مرج کتابسازیهایی دانشگاهی تا حدود زیادی فروکش کرده یا اقلاً قبحش آشکار شده است.

مرکز نشر در این همه سال تعداد قابل توجهی کتابهای معقول تولید کرده و مهمتر اینکه ترجمه های کاملی از کتابهای استاندارد دانشگاهی را در اختیار دانشجویان گذاشته است. در این میان (تقریباً) طبیعی است که تعدادی کارهای بد هم از دستش در رفته باشد. حتی در بعضی کتابهای موفق و پرفروش مرکز

هم گاهی اشتباهات چاپی و معدودی غلطهای محتوایی جامانده است که باز هم به خودی خود اتفاق وحشتناکی نیست. اما متأسفانه اش اینجاست که کمتر کسی به فکر بوده است که این نقایص را اقلأ در چاپهای مکرر بعدی اصلاح کند.

مرکز نشر، با تمام بالا و پائینهایی که تا به حال داشته، آن رسالت اولیه اش را که سروسامان دادن به کتابهای دانشگاهی بوده، کم و بیش به پایان برده است. به نظر بنده، حالا وقتش رسیده است که این مرکز تلقی غیراقتصادی تری از تولید کتاب داشته باشد و در تمام جنبه های فعالیتش فرهنگی تر عمل کند. حالا وقت

مناسبی است که مرکز، به ترجمه و تولید کتابهای باارزشی که تولیدشان برای ناشران دیگر «صرف نمی کند»

بپردازد. خوب است که مرکز کم کم تبدیل به مرجعی برای پژوهش در امور نشر و آموزش این امور به ناشران دیگر و همه علاقه مندان تبدیل شود. خلاصه اش اینکه، من هم مثل همه قدیمیهای این مرکز، دوست دارم که مرکز نشر بعد از این حتی المقدور بنیادی تر و البته بسیار فرهنگی تر عمل کند. والسلام.

ما هم دیده می شود.) جالب اینجاست که در عطف بسیاری از این کتابها اصلاً از نام مؤلف خبری نبود و فقط اسم مترجم آورده می شد. صرف ترجمه یک کتاب علمی ساده، آن هم به دست یک مدرس دانشگاه، که این قدر «به به و چه چه» نمی خواهد. این حداقل کاری است که دانشگاهیان باید، به شکرانه امکاناتی که برای تحصیل داشته اند، انجام بدهند و کتابی را به زبان مادری شان در اختیار دانشجویانشان قرار بدهند. ترجمه کتاب درسی در صورتی «اثر» محسوب می شود که مترجم واقعاً برایش مایه بگذارد. یعنی علاوه بر انتقال

درست مطالب و اصطلاحات سعی کند زبان کتابش هم طبیعی و بی ابهام و پاکیزه باشد. بچه های مردم برای یادگیری مطالب این کتابها به قدر کافی مشکل دارند و دیگر مستحقش نیستند که ترجمه قالبی و بد هم به مشکلاتشان اضافه کند.

در این میان، باز صد رحمت به کسانی که اگر تعداد منابع مورد استفاده شان از دو سه تا بیشتر باشد، خودشان و خواننده را راحت می کنند، یعنی مسئولیت راست و دروغ همه مطالب کتابشان را می پذیرند و فروتنانه کتابشان را به عنوان تألیف تحویل ناشر می دهند.

در سالهای اخیر در یکی دوتا از دانشگاههای

نسل جدید آن قدر کتاب دانشگاهی «تألیف»

شده است که نشان می دهد تمام دانشگاهیان ما ذاتاً

مؤلف بوده اند، اما — قبل از تأسیس این دانشگاهها — خودشان خبر نداشته اند. (انصاف حکم می کند گفته شود که در میان این تولیدات انبوه البته کتابهای باارزش هم هست که واقعاً تألیف شده اند؛ اما اینها عموماً در دور و بر ادبیات فارسی و بعضی مقولات علوم انسانی است، یعنی در مقولاتی است که خودمان تولید کننده آنها هستیم). خلاصه

۱. سعی کنید از همان اول

حتی الامکان در خانواده ای قدم به عرصه وجود بگذارید که رییس اش معلم یا مترجم و از این قبیل نباشد.

۲. اگر کار از کار گذشته است و قبلاً پا به عرصه وجود نهاده اید، دست کم سعی کنید تمام خزعبلاتی را که در انشاهای دبستان نوشته اید فراموش کنید و تا پایان عمر در «رودرواسی» ارزشهای معنوی نمانند.



خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی
شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

۱۴

علوم زمین هم شروع به کار کرده است و تا چاپ این شماره خبرنامه جلسه خواهند داشت. شوراهای دیگر هم در حال تکمیل شدن یا ایجاد هستند. تحول جدی مرکز در دوره جدید این است که مرکز از سازمانی که کار آن صرفاً نشر آثار ترجمه و تألیف کتب علمی بود، به سازمانی با گرایش‌های ویژه به امر پژوهش تبدیل شده است. متولی چنین تحولی شوراهای تخصصی مرکز هستند که با برنامه‌ریزی و تعریف طرح‌های پژوهشی مرتبط با نشر دانشگاهی و دیگر نیازهای کشور این راهبرد را به انجام خواهند رساند. سعی ما در انتخاب اعضای شوراهای تخصصی این بوده است که بهترین‌های ممکن را به عضویت دعوت کنیم و تا به حال خوشبختانه همه دعوت‌های ما با پاسخ مثبت نخبگان مواجه شده است.

اتفاقاً در این مورد که مرکز پژوهشکده است یا پشتیبان پژوهش، با آقای دکتر منصوری گفت‌وگویی صورت گرفت. متن این مصاحبه در شماره چهارم خبرنامه آمده است. دکتر منصوری گفته است که مرکز نشر دانشگاهی پژوهشکده نیست، بلکه در زمره مراکزی قرار می‌گیرد که وی آنها را «مراکز پشتیبان پژوهش» نامید و در کنار مرکز نشر دانشگاهی، از انتشارات سمت و کتابخانه منطقه‌ای شیراز هم نام برد. با این وصف، تکلیف ما با مرکز نشر چیست؟ مرکز پژوهشکده است یا پشتیبان پژوهش؟ اگر پژوهشکده نباشد، در این صورت آیا ضرورت تشکیل شوراهای تخصصی زیر سؤال نمی‌رود؟

عرض کنم که خود آقای دکتر منصوری، عضو شورای تخصصی گروه فیزیک هستند. بنابراین، همین که خود ایشان برای شورای تخصصی فیزیک حرمت قائل شدند، نشانه‌ای از این است که جایگاه مرکز را در پژوهش و پشتیبانی از آن به رسمیت شناخته و حتی از آن استقبال کرده‌اند. بعضی از اعضای شوراهای تخصصی هم قبل از عضویت یادآوری می‌کنند که اگر قرار است در مرکز کتاب‌آرزیایی کنند، چه لزومی دارد شورای تخصصی تشکیل شود؟ دقت کنید که هنوز پژوهشی در زمینه نشر دانشگاهی در کشور صورت نگرفته و تنها جایی که توان و لیاقت انجام این قبیل پژوهش‌ها را دارد، مرکز نشر دانشگاهی است. آقای دکتر منصوری درست می‌فرمایند که مرکز، پشتیبان پژوهش است؛ اما باید این پژوهش موجود باشد تا بتوان آن را پشتیبانی کرد. ناگزیر، باید جایی به این‌گونه پژوهش‌ها بپردازد. و چه جایی بهتر از مرکز نشر دانشگاهی؟ بله، اگر

شوراهای تخصصی و آیا پژوهشکده‌ایم یا مراکز پشتیبان پژوهش؟

گفت‌وگو با
دکتر عبدالمجید یعقوب‌پور

■ آقای دکتر یعقوب‌پور، تشکیل شوراهای تخصصی را در مرکز خیلی جدی گرفته‌اید. چرا؟

مرکز نشر دانشگاهی، بعد از مصوبه شورای گسترش آموزش عالی و تغییر اساسنامه آن، به صورت یک مرکز پشتیبان پژوهش درآمد. لازمه پشتیبانی از پژوهش، وجود شوراهای تخصصی است. الان که داریم صحبت می‌کنیم، شورای تخصصی گروه زیست‌شناسی تشکیل شده و تا به حال چندین جلسه هم داشته است. شورای تخصصی گروه‌های ریاضی و



۱۵

خبرنامه

مرکز نشر دانشگاهی

شماره پنجم

خرداد ۱۳۸۴

کارهای پژوهشی در سطح خوبی انجام شود، مرکز نشر افتخار می‌کند که در نشر نتایج آنها سهمی داشته باشد. به هر حال، مرکز با توجه به اساسنامه‌اش، می‌تواند در پژوهش نیز در حد امکان، فعال باشد و وجود شوراهای تخصصی لازمه دست زدن به کار پژوهش است.

الان مرکز عضو هیئت علمی ندارد؟

نه. البته اغلب مدیران گروه‌ها و ویراستاران و مترجمان مرکز، عضو هیئت علمی یا بازنشسته دانشگاه‌ها هستند.

اگر اینجا بخواهد عضو هیئت علمی داشته باشد، باید پژوهشکده شود؟

به عنوان یک مرکز پشتیبان پژوهش هم باید عضو هیئت علمی داشته باشد و طبعاً انتظاری که از اعضای هیئت علمی می‌رود، فراتر از ارزیابی یا ترجمه کتاب است. در واقع، برای انجام فعالیتهای مرکز نیاز چندانی به استخدام هیئت علمی نبوده است.

می‌شود چند مثال از موضوعات پژوهشی در حوزه نشر دانشگاهی بگوئید تا تصویری از کارهای پژوهشی خاص مرکز در ذهن ما شکل بگیرد؟

ما الان عنوانهای مختلفی برای صاحب اثر داریم که روی جلد کتابها دیده می‌شود، از قبیل تألیف، ترجمه، گردآوری، تدوین، ترجمه و تلخیص و... اینها هیچ‌کدام

تعریف پذیرفته‌شده و مشترکی ندارند. در همین مورد،

مرکز نشر در سال جاری حداقل یک سمینار برگزار می‌کند. اگر مرکز نشر بتواند با اجماع و توافق صاحب‌نظران نشر کشور به تعریف دقیق این عناوین و واژه‌ها بپردازد، یک قدم بزرگ برای استانداردسازی اصطلاحات نشر کشور برداشته است.

لطفاً نمونه دیگری از این موارد پژوهشی را توضیح بدهید.

یکی دیگر این است که اساساً ببینیم نشر دانشگاهی در کشور ما یعنی چه؟ ببینید تا کنون سیاست مرکز نشر بیشتر ترجمه کتاب بوده است. حدود هشتاد درصد کتابهایی که در مرکز به چاپ رسیده، ترجمه از متون مختلف بوده است. در آیین‌نامه جدید ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاهها، در تمام رشته‌ها — به استثنای برخی

رشته‌های علوم انسانی — ترجمه از ماده ۲ فعالیتهای پژوهشی به ماده ۳ (فعالیهای علمی - اجرایی) رفته است. معنی و مفهوم این تغییر آن است که مرکز باید فکر و حرکت نویی را پیش بگیرد و متناسب با نیازهای متغیر دانشگاهها به ترجمه یا تألیف کتاب بپردازد. شوراهای تخصصی مرکز عهده‌دار چنین رسالتی خواهند بود، اما پیش از انجام تألیف یا ترجمه، مهمترین موضوع برای آنها این خواهد بود که اصلاً تألیف یعنی چه؟ کتابی که نویسنده سرتاپای آن را از وصله پینه کردن نوشته‌های دیگران سرهم کرده است، نمی‌تواند تألیف باشد. شوراهای تخصصی معلوم خواهند کرد که یک نوشته از نوع تألیف است یا گردآوری یا ترجمه، و چه استانداردهایی باید رعایت شود تا یک کتاب خوب و درست علمی و دانشگاهی شکل بگیرد. بالاخره جایی در کشور باید تکلیف این بحثها را روشن کند. و تا آنجا که به نظر می‌رسد، مرکز نشر دانشگاهی باصلاحیت‌ترین مؤسسه نشر کشور است که می‌تواند وارد این مقوله‌ها بشود. بخصوص تولید فرهنگهای تخصصی منطبق بر یک‌سری استاندارد علمی و حرفه‌ای، از کارهایی است که ان‌شاءالله با جدیت پیگیری می‌کنیم.

مرکز نشر دانشگاهی، بعد از مصوبه شورای گسترش آموزش عالی و تغییر اساسنامه آن، به صورت یک مرکز پشتیبان پژوهش درآمد. لازمه پشتیبانی از پژوهش، وجود شوراهای تخصصی است.

الان بیش از هشتاد فرهنگ و دائرةالمعارف در کشور ما در حال تولید است، چرا به جای تولید فرهنگهای جدید در این مورد استانداردسازی نمی‌کنید؟

ما دنبال تألیف اصطلاحنامه‌ها و فرهنگهای تخصصی به تناسب گروههای علمی مرکز هستیم. شیوه فرهنگ‌نویسی از داخل کارها درمی‌آید. این‌طور نیست که اول شیوه را تعریف کنیم و بعد به کار بپردازیم. در کارهای اول شیوه استخراج می‌شود و از آن به بعد استانداردهای تدوین فرهنگهای تخصصی در مورد فرهنگهای بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اگر ممکن است یک مثال مشخص بزنید. مثلاً اگر گروه فیزیک بخواهد یک فرهنگ تخصصی برای رشته فیزیک تدوین کند، یک موضوع یا واژه را چگونه در این فرهنگ جا می‌دهد؟

در فرهنگ مورد نظر ما، هر واژه کلیدی تخصصی باید در قالب یک متن قابل فهم، با توجه به معنی خاصی که در آن رشته دارد شرح داده شود. واژگان بسیاری وجود دارند که در میان رشته‌های



مختلف مشترکند و در هر رشته معنای خاص خود را اختیار می‌کنند. یک فرهنگ تخصصی هر واژه را اختصاصاً در همان معنای مربوط به رشته در نظر می‌گیرد و شرح می‌دهد. دقت کنید که فرهنگ، واژه‌نامه نیست؛ برای هر مدخلی شرحی چندسطری تا چندصفحه‌ای نوشته می‌شود، به صورت تفصیلی، کامل و صحیح. واژه‌گزینی کار فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و ما نمی‌خواهیم کار آنها را که البته از سوی دوستان و همکاران ما در فرهنگستان صورت می‌گیرد تکرار کنیم.

کنید؟

هنوز

پژوهشی در زمینه

نشر دانشگاهی در کشور صورت

نگرفته و تنها جایی که توان و لیاقت

انجام این قبیل پژوهش‌ها را دارد، مرکز

نشر دانشگاهی است. آقای دکتر منصوری

درست می‌فرمایند که مرکز، پشتیبان پژوهش

است؛ اما باید این پژوهش موجود باشد تا

بتوان آن را پشتیبانی کرد. ناگزیر، باید

جایی به این‌گونه پژوهش‌ها پردازد.

و چه جایی بهتر از مرکز نشر

دانشگاهی؟

همه چیز بستگی به شرایط، و بخصوص امکانات مالی، دارد. فرض ما این است که اگر مشکلی پیش نیاید خواهیم توانست گروه فنی - مهندسی را تا پایان امسال به دو یا سه گروه تبدیل کنیم. همین وضعیت در مورد گروه علوم انسانی خواهد بود. این تقسیم‌بندی‌ها با صلاحدید و نظرات کارشناسی شوراهای تخصصی صورت می‌گیرد.

بجز افزایش گروه‌ها، دیگر چه برنامه‌هایی

دارید؟

امسال دو سمینار خواهیم داشت. یکی از آنها قطعی است. نامه‌ی مربوط به این سمینار برای جمع پرتعدادی از متخصصان ترجمه و ویرایش و نشر کتاب ارسال شده است. این سمینار احتمالاً به صورت مشترک با فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار خواهد شد. موضوع این سمینار عناوین صاحبان آثار مکتوب است. نویسنده، مترجم، گردآورنده، به کوشش، زیر نظر، و... امیدواریم در این سمینار تکلیف این عناوین در نظام انتشاراتی کشور روشن شود.

مرکز چند تا گروه دارد؟

ما الان گروه علوم زیستی داریم، علوم زمین، فیزیک، شیمی، ریاضی، علوم انسانی، کشاورزی، و فنی - مهندسی، جمعاً هشت گروه داریم. اخیراً مذاکراتی صورت گرفته است تا گروه‌هایی مثل فنی - مهندسی و علوم انسانی به چند گروه مجزا تقسیم شوند. در مرکز علوم پایه بسیار مورد توجه بوده و از همان ابتدا در قالب پنج گروه علوم زیستی، علوم زمین، فیزیک، شیمی، و ریاضی فعالیت کرده است. گروه‌هایی مثل فنی - مهندسی و علوم انسانی که ظرفیت بسیاری برای تقسیم شدن دارند تا به حال نتوانسته‌اند در شاخه‌های کوچکتر و تخصصی‌تر تعریف شوند و به فعالیت پردازند.

امسال قصد دارید چند

گروه جدید درست



خبرنامه

۱۷

مرکز نشر دانشگاهی

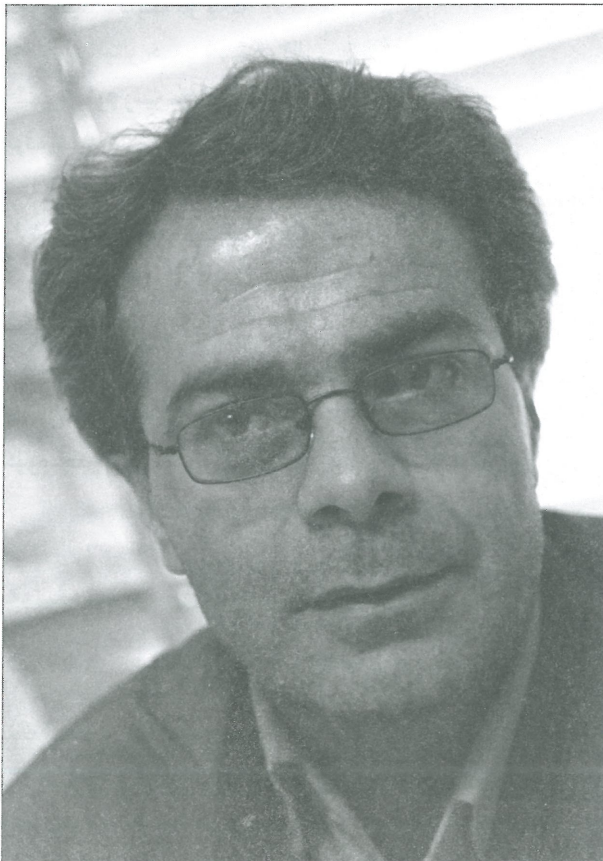
شماره پنجم

خرداد ۱۳۸۴

قاعدتاً باید چنین ترجمه می‌کرد: "... متفاوت با..."، زیرا فارسی‌زبانان معمولاً از "تفاوت چیزی با چیز دیگر" صحبت می‌کنند نه از "تفاوت چیزی از چیز دیگر". البته در زبان فارسی "تفاوت بودن از..." هم ضبط شده که یافتن تفاوت احتمالی این دو برعهده خوانندگان جدی است. بجز تأثیر زبان اول بر زبان دوم، می‌توان به دهها موضوع کلی و موردی مربوط به ترجمه پرداخت و برای هر کدام شاهد مثال آورد. ولی بهتر است در این مقال و مکان محدود توجه خود را فقط به یک مورد دردرساز خاص در ترجمه محدود کنیم.

کلمهٔ as در ترجمه گاه گرهی ناگشودنی می‌شود و مترجم را متوقف می‌کند. و این بی‌دلیل نیست، زیرا فقط در فرهنگ انگلیسی به فارسی هزاره (ج ۱، ص ۶۳، ۱۳۸۱) جمعاً ۲۷ معنا برای as آمده و در ویراست دوم «فرهنگ باطنی» (ص ۴۱، ۱۳۷۱) جمعاً ۲۶ معنا ذکر شده است. در بین تمام آن معانی، ما توجه خود را فقط به آن دسته از معانی معطوف می‌کنیم که عیناً از این دو فرهنگ نقل می‌شود. از فرهنگ هزاره: «۱. مثل، مانند، شبیه، همچون؛ ۲. به عنوان، در مقام، به منزله، به مثابه؛ ۳. همچون، عیناً.» و از «فرهنگ باطنی»: «۴. مانند، مثل، از قبیل،...؛ ۷. به عنوان، در حکم، به چشم»، که هر کدام در متن و بافت خودشان به کار می‌روند.

با این حساب، تا آنجا که به این بحث مربوط می‌شود در این دو فرهنگ جمعاً ۱۳ معنا پیشنهاد شده است (که امکان دارد به‌مرور



ویرایش یک تجربه امان از as تجربه‌ای از علی اکبر رزدام

دست‌اندرکاران ترجمه از زبانی به زبان دیگر گاه اسیر دامهایی می‌شوند که برخی از آنها ناگزیر و برخی دیگر چاره‌پذیرند. این دامها خود فراوانند و علتها و ریشه‌های متفاوتی دارند، که گاه هیچ درمانی ندارند، یا اگر دارند، ممکن است خود متفاوت و متعدد باشند. در این مقال و این فضا پرداختن به این مسائل میسر نیست و خود وسعت و فرصت دیگری را می‌طلبد. در اینجا فرض بر این است که خواننده با این مسائل آشناست. پس ناگزیر به برخی از آنها گذرا اشاره می‌شود. مثلاً یکی از پدیده‌های منفی تأثیرگذار در ترجمه، تأثیر زبان مبدأ بر زبان مقصد است. گاه مترجم، غرق در رساندن مفهوم به خواننده، بی‌توجه به سیاق بیان آن جمله یا عبارت یا کلمه در زبان فارسی، اشتباهی را مرتکب می‌شود، که شاید خودش هنگام بازخوانی آن را برطرف کند یا بعداً ویراستاری تیزبین آن را بیابد و چاره کند. مثلاً بسیاری از مترجمان عجول و بی‌توجه در ترجمه عبارت انگلیسی "... different from..." بدون رجوع به دانش زبانی فارسی خود، حرف به حرف ترجمه می‌کند و آن را "تفاوت بودن از..." ترجمه می‌کند، غافل از اینکه حتی خود او هنگام استفاده از زبان فارسی حرف اضافهٔ با را به کار می‌برد نه از (که دقیقاً ترجمهٔ from است) و بنابراین

بیشتر هم بشود)، ولی متأسفانه بسیار پیش آمده که مترجمان (و گاه ویراستاران) از سر کم بودن مهلت ترجمه یا از سر تنبلی (؟)، بی‌حوصلگی (؟)، کم‌کوشی (؟)، غفلت (؟) و... تنها معادلی که برای as می‌شناسند، همان **به عنوان** است و بس. در اینجا بحث با ذکر چند مثال، که صد البته کافی و جامع نیست، و از انگلیسی به فارسی است، پایان می‌پذیرد، به این امید که گرهی را بگشاید یا باب بحث بیشتر (یا تازه‌تری) را باز کند.

به جمله ۱ دقت کنید:

۱. As a father, he loved his son, but as a judge he had to send him to jail.

ترجمه ممکن و معمول این جمله در فارسی بیشتر به صورت ۲ است:

۲. او به عنوان پدر، پسرش را دوست داشت، ولی به عنوان قاضی مجبور بود او را به زندان بفرستد.

نه تنها در این مورد، بلکه در موارد بسیار زیاد دیگر، مترجم عجول و بی‌توجه، این زحمت را به خودش نمی‌دهد تا «مناسب‌ترین» معادل را برگزیند و فقط **به عنوان** را می‌شناسد. در این مثال خاص بیشتر **مقام و نقش** مطرح است تا **عنوان**. چنانکه معمولاً فارسی‌زبانان به جای جمله ۲ از جمله ۳ استفاده می‌کنند:

۳. او در نقش پدر پسرش را دوست داشت، اما در مقام قاضی مجبور بود او را به زندان بفرستد.

مثالی دیگر به شرح زیر است:

۴. ... but this, in constructing 'passive' in English which is here termed as 'compound'...

که معمولاً (تا آنجا که به as مربوط است) به صورت ۵ ترجمه می‌شود:

۵. ... اما این (امر) در ساخت «مجهول» در زبان انگلیسی که در اینجا به عنوان «مرکب» از آن نام برده شده...

اینجا هم مترجم می‌توانست بجز استفاده از **به عنوان** (که در اینجا بی‌معنی و نالازم است) به معادلهای دیگر توجه کند، یا حتی با حذف **به عنوان** و تغییر اندکی در جمله‌بندی جمله را «فارسی»‌تر ادا کند، مانند جمله پیشنهادی ۶:

۶. ... اما این، در ساخت «مجهول» در زبان انگلیسی که در اینجا «مرکب» نامیده شده...

گاه می‌توان به کل **به عنوان** را حذف کرد بدون آنکه لطمه‌ای به معنا وارد شود. در جمله ۷ این امر کاملاً مشهود است (برای صرفه‌جویی در جا، جمله‌های انگلیسی را ذکر نمی‌کنیم، مگر آنکه لازم شود):

۷. همه او را به عنوان یک قاضی منصف می‌شناسند.
که می‌شد خیلی راحت به صورت جمله ۸ بیان شود:
۸. همه او را یک قاضی منصف (یا قاضی منصفی) می‌شناسند.

راهی دیگر برای گشودن معضل as، حذف **به عنوان** و تغییرات اندک دیگری است که در جمله ۹ و جمله اصلاحی پیشنهادی ۱۰ دیده می‌شود:

۹. من به عنوان معلم مجبورم...

۱۰. من معلم مجبورم...

سخن را با دو مثال دیگر به پایان می‌بریم.

به جمله انگلیسی ۱۱ توجه کنید:

۱۱. She talks and walks as an actress.

که یک ترجمه معمول آن چنین است:

۱۲. او به عنوان هنرپیشه سخن می‌گوید و راه می‌رود.
که به هیچ‌وجه برگردانده جمله ۱۱ نیست و معنا را نمی‌رساند.
ترجمه پیشنهادی برای ۱۱ به صورت ۱۳ خواهد بود:
۱۳. او همچون (یا مانند، مثل) هنرپیشه‌ها سخن می‌گوید و راه می‌رود.

مثال آخر در این مقال، جمله انگلیسی ۱۴ است:

۱۴. As an actress, she had to even come face to face with a lion.

۱۵. به عنوان هنرپیشه، او مجبور بود حتی با شیری هم رودررو شود.
که بهتر بود به صورت ۱۶ بیان می‌شد:
۱۶. هنرپیشگی ایجاب می‌کرد که او حتی رودرروی شیر قرار گیرد.

مثال و بحث در این باره فراوان است و در این کنج محدود و تنگ نمی‌گنجد. ولی آشکار است که همین‌طور تا آخر می‌توان با توجه به بافت و دانش گوینده فارسی‌زبان و تواناییهای زبان فارسی معادلهای دیگری برای as آورد (۳۱ مورد آن را از آن دو فرهنگ نقل کردیم) و در اینجا حتی حذف as هم پیشنهاد شد و می‌توان معادلهای دیگری نیز معرفی کرد: «به سان»، «با عنوان»، «در عنوان»... و حتی گاه خود بیچاره «به عنوان» که در برخی بافتها و متون فقط «به عنوان» معنی می‌دهد و از تغییر یا حذف آن باید کلاً پرهیز کرد. به عبارت دیگر، عاقلانه نیست که همیشه **به عنوان** را معادل as بگیریم و آنجایی هم که as واقعاً معنای «به عنوان» دارد، باید از تغییر یا حذف آن خودداری کرد.



خبرنامه

۱۹

شماره پنجم
خرداد ۱۳۸۴

این کتاب به یقین جامع‌ترین و پرکارترین و
پرتصویرترین تکنگاری است که تاکنون در باره یکی
از هنرمندان عصر قاجار فراهم آمده و به چاپ
رسیده است. این نیز هست که زندگی و آثار استاد
صنیع‌الملک گرانسنگ‌ترین دستاورد پژوهشی و
گرافیک‌ترین میراث روانشاد استاد یحیی ذکا است
که بیماری طولانی جانکاه او را مجال نداد که این
کار سترگ را به سامان آورد، و مرگ او را امان نداد
تا ثمره چهل سال پژوهش پیوسته را ببیند و چشمان
قلم‌فرسودش آسوده شود.

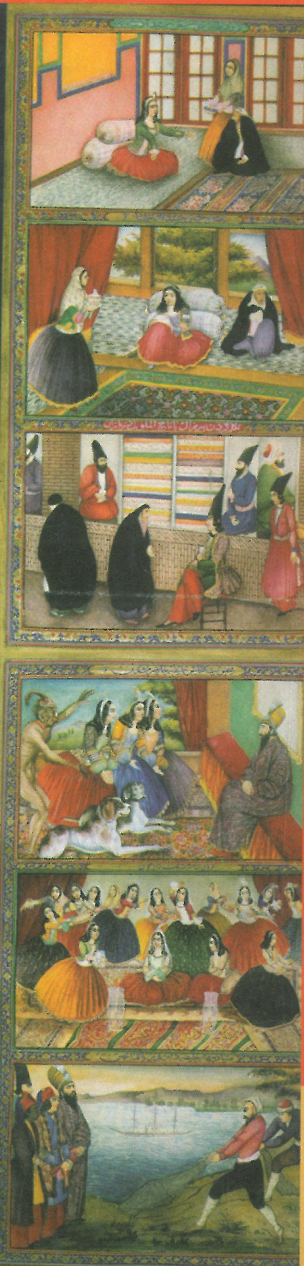
زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک

۸۳-۱۳۲۹ ه‍.ق

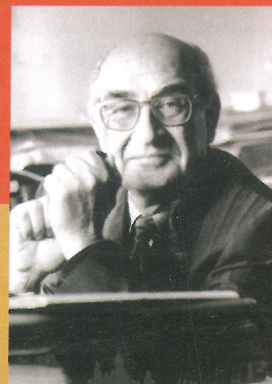
یحیی ذکا



دیرایش و تدوین
سیروس پرنام



پژوهش و کاوش زیبایی‌شناختی و
تحلیلی مؤلف فقید، که حاصل چهل
سال تحقیق علمی و روشمند است،
اثری را پدید آورده که جامع‌ترین
تکنگاری درباره زندگی و آثار
هنرمندی از عصر قاجار است، که
افسوس به رغم بی‌رقیب بودن، بسیار
دیر شناخته شد.



یحیی ذکا، ۱۳۰۲-۱۳۷۹



خبرنامه مرکز نشر دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر فرید مژ

دبیر تحریریه: حبیب‌اله حبیبی فیهیم

صفحه‌آرا: روح‌اله گیتی‌نژاد

عکسها از: محمدرضا شاه‌رخ‌نژاد، سپیده یزدان، گلناز بهشتی و آرش بدالهی
با تشکر از: سیدمجتبی نوری، زهرا رحیمدل، علی کافی، محمدرضا بهاری، علی‌اکبر رزدام، محمدرضا داهی،
اکرم راسخ، صدیقه بطالب‌لویی، فائزه محبی، شهلا تقوی، و حمیدرضا دمیرجیلو
نشانی: تهران، خیابان خالداسلامبولی، کوچه سوم، شماره ۱۸، طبقه دوم، روابط عمومی و امور بین‌الملل،
تلفن: ۸۷۲۲۴۹۸-۹